

شناخت و جستجوی نقش زنجیره خمپا و جایگاه آن در تمدن‌های باستان*

صمد سامانیان^{۱*}، مینا حسن‌زاده^۲

^۱ استادیار دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

^۲ کارشناسی ارشد صنایع دستی، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۲/۶، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۲/۱۵)

چکیده

یکی از راه‌های ارتباط با فرهنگ و هنر اقوام مختلف، شناخت باورها و اعتقادات آنهاست. در بسیاری از موارد، این باورها در قالب نقش بر روی آثار هنری و اشیاء تاریخی فرهنگی ظاهر می‌شوند. از این رو، شناخت این نقوش اهمیت به‌سزایی پیدا می‌کند. نقش زنجیره‌ی خمپا یکی از نقوشی است که در بین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در طول تاریخ بر روی آثار به‌عنوان یک آرایه‌ی تزیینی و نمادین به‌کاررفته است. هدف کلی این پژوهش، ریشه‌یابی و شناخت نقش زنجیره‌ی خمپا، معانی و مفاهیم آن و تجلی باورها و دیدگاه‌های فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف در قالب این نقش است؛ بنابراین، ضمن شناخت نقش زنجیره خمپا و معانی و مفاهیم تاریخی و سمبلیک آن، انواع نقش و ارتباط آن بررسی می‌شود. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی مورد پژوهش و تحقیق قرار گرفته است. در جستجو و مقایسه نقش زنجیره خمپا در فرهنگ‌ها، دریافت می‌شود که این آرایه نمادین در بعضی نقاط جهان به‌طور هم‌زمان توسعه‌یافته است. این نگاره، در هنر ایران که غالباً از کیفیتی نمادین برخوردار بوده، هر چند ناشناخته، در دوره پیش تاریخی وجود داشته است؛ اما حضور مستمر و چشمگیرتری از آن در تمدن‌های باستانی چین و یونان، نسبت به سایر تمدن‌ها مشاهده شده و غالباً نماد باران حیات‌بخش و طول عمر شناخته‌شده است.

واژه‌های کلیدی

نقش، تزیین، زنجیره‌ی خمپا، نماد، چین، یونان.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته صنایع دستی نگارنده دوم تحت عنوان: "بررسی و ریشه‌یابی نقش زنجیره خمپا و تجلی آن در هنر دوره اسلامی ایران" به راهنمایی نگارنده اول می‌باشد.

** نویسنده مسئول: تلفکس: ۰۲۱-۶۶۷۲۵۶۸۳، E-mail: samanians@yaho.com

مقدمه

تغییر و تحولات باعث شد این نقش به صورت‌های مختلفی ظاهر شود. علاوه بر آن، هنرمندان بسیاری در طول تاریخ از این نقش نه تنها به عنوان عنصر تزئینی استفاده کردند، بلکه با دگرگونی‌هایی که در آن ایجاد کردند توانستند به نقوش و تصاویر متنوعی دست یابند. مراوداتی که در گذشته بین تمدن‌های بزرگ وجود داشته، باعث شده است تا این فرهنگ‌ها ضمن تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر یکدیگر و تبادلات و تجارت فی‌مابین، برخی از نقش مایه‌های تزئینی را از یکدیگر اقتباس کنند. نقش زنجیره‌ی خمپا از دوره پیش تاریخ وارد ایران شد و با توجه به جایگاه تزئینی و نمادپردازی در هنر ایران، می‌کوشید تا مفاهیم مورد نظر خود را در قالب تجرید و انتزاع بیان کند.

زنجیره‌ی خمپا یکی از نقوش نمادین و سمبلیک رایج است که بر روی آثار اقوام کهن یافت می‌شود. با تحقیق درباره‌ی دوره پیش تاریخی به چگونگی ترکیب نقوش برای بیان مفاهیم و کارکردهای نقش زنجیره‌ی خمپا در باورهای آن دوره پی برده می‌شود. تمدن چین و یونان از عوامل تأثیرگذار بر انتقال نقش زنجیره‌ی خمپا به فرهنگ‌های دیگر و گسترش آن در سراسر جهان بوده‌اند. در مرحله تاریخی، با تأسیس سلسله‌ها و تأثیر آنها، این نقش علاوه بر معانی قبلی، معانی و مفاهیم دیگری را دریافت کرده است. همچنین، اوج‌گیری اسطوره‌ها و حضور داستان‌ها در قالب تصاویر به تبعیت از دیدگاه‌های اسطوره‌ای، بر چگونگی حضور معانی مربوط به نقش زنجیره‌ی خمپا توسط عناصر تصویری مشابه تأثیر داشته است. این

زنجیره‌ی خمپا، جستجوی معنی در فرهنگ‌ها

شناخته‌شده است. «در فرهنگ چین این نقش تزئینی را "طرح ابری و تندری" دانسته و آن را "یون ون" و "لای ون" می‌نامیدند» (هال، ۱۳۸۷، ۹). در آسیای شرقی در کشورهایی مانند هند و اندونزی، به نام "ماتو" شناخته‌شده که احتمالاً برگرفته از نام منطقه یا محلی خاص است. در زبان انگلیسی علاوه بر واژه‌ی مئاندر به نام‌های "فرت، کی پترن" شناخته‌شده است. به خاطر کاربرد فراوان این نقش در هنر یونان به آن واژه‌ی "گریک کی" را لقب داده‌اند. علت اینکه نام نقش کلیدی را هم در زبان انگلیسی و هم در زبان فارسی به این نقش داده‌اند، این است که بخش‌هایی از مربع تغییر شکل داده و دوباره به عقب بازگشته و شکلی شبیه کلید را ساخته است. از این نقش نمونه‌های مختلف و متنوعی وجود دارد و نقوش کلید گونه از هم متفاوت هستند، اما پایه اصلی در همه‌ی آنها مشترک است. این تنوع شاید به دلیل آن است که نقش زنجیره‌ی خمپا همواره در سراسر تاریخ در بین اقوام مختلف مورد استفاده قرار گرفته است.

پیشینه

نقش تزئینی زنجیره‌ی خمپا یکی از برجسته‌ترین نقوش انتزاعی است که قدمت آن به دوره‌ی پارینه‌سنگی بر می‌گردد. قدیمی‌ترین نمونه‌ی این نقش، بر روی بازوبندی از جنس عاج ماموت حک شده و در منطقه‌ی "مزین" کشف شده است (تصویر ۱)، و تاریخ آن حدوداً مربوط به ۲۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح است (ویلسون، ۱۹۹۴، ۲۸). از مثال‌های قابل توجه دیگر می‌توان به نمونه‌های اولیه دوره‌ی نوسنگی از فرهنگ "وینکا" اشاره کرد. که این آرایه تزئینی بر روی مجسمه‌های سنگی شبیه به پرند مشاهده می‌شود (تصویر ۲).

زنجیره‌ی خمپا، آن گروه از تزئینات هستند که از ترکیب عنصر بصری خط به وجود آمده‌اند. «حاشیه یا نوار تزئینی متشکل از خطوط در هم افتاده یا متوازی که پیاپی هم قرار گرفته و شکل‌های هندسی نیز به وجود می‌آورند و انواع بی شمار آن در هنرهای تزئینی بسیاری از اقوام جهان به کاررفته است» (مرزبان و معروف، ۱۳۸۰، ۱۲۶). بنا بر تعریفی دیگر: «آن دسته از تزئینات مکرر، شامل خطوط مستقیم که با زاویه‌های قائمه به یکدیگر متصل می‌شوند و گاهی نقوشی شبیه S، T، L و G شکل را به وجود می‌آورند و این در صورتی است که فضای بین خطوط تقریباً با پهنای آن برابر است» (بریتانیکا، ۱۹۹۵، ۴). این نقش تزئینی در اکثر فرهنگ‌ها و تمدن‌های کهن به کاررفته و در زبان انگلیسی به نام "مئاندر" شناخته‌شده است. واژه‌ی مئاندر برگرفته از نام رودخانه‌ای است که در آناتولی قرار داشته و یونانیان باستان آن را "مایاندروس" می‌نامیدند. این رودخانه که اکنون "بایوک مئاندر" نام گرفته، در جنوب غربی ترکیه قرار دارد. مسیر این رودخانه ابتدا با یک جریان واحد شروع می‌شود و سپس به سمت عقب تغییر مسیر می‌دهد و دوباره به سمت خودش جریان پیدا می‌کند. این توصیف ساده همان توضیح جامع و مختصر مئاندر است. در فرهنگ نامه‌های فارسی، نقش تزئینی مئاندر به زنجیره‌ی خمپا ترجمه شده است. درباره‌ی منشأ و ریشه‌ی واژه‌ی خمپا تردید وجود داشته و به درستی مشخص نیست این واژه از چه زمانی وارد زبان فارسی شده و به چه علت برای این نقش نام‌گذاری شده است. این نقش تزئینی، علاوه بر زنجیره‌ی خمپا، به نام‌های دیگری مانند «زنجیره‌ی یونانی، نقش کلیدی، حاشیه دندان‌ای کلیدی و آرایه زنجیره‌ای شناخته‌شده است» (مهاجری، ۱۳۸۴، ۲۰۱).

این نقش در فرهنگ‌های گوناگون نیز به نام‌های مختلفی

نقش همزمان با ورود ترکان باستانی به مرحله تدریجی تاریخی بوده است، یعنی زمانی که ترکان وارد دنیای تاریخ و تمدن شده‌اند (آندرو، ۲۰۰۹، ۳). این نقش به وسیله اقوام ترکی با فرهنگ سنتی، قومی آسیای مرکزی ثابت‌قدم و پایدار مانده است. علاوه بر آن در دوره‌های بعدی در این منطقه سکه‌هایی یافته شده که مربوط به هزاره‌ی اول قبل از میلاد است، نمونه‌ای از این سکه‌ها در تصویر ۵ نشان داده شده که نقش زنجیره‌ی خمپا دور تا دور آن به کاررفته است.

زنجیره‌ی خمپای یونانی: نقش زنجیره‌ی خمپا برای اولین بار در عصر آهن ظاهر شد و به شکل‌های خمیده و زاویه‌دار رسم شده است. اما بیش‌ترین نمونه‌های یافته شده از این نقش در هنر یونان مربوط به سفالینه‌هایی است که از هزاره‌ی اول قبل از میلاد به یادگار مانده است (تصویر ۶). همچنین نسخه‌ی یونانی این نقش در سراسر جهان از شبه‌جزیره‌ی "پلوپونیز" به فرهنگ سرخ‌پوستان آمریکا گسترش یافته است. در آمریکا این طرح روی سفال‌ها و بافته‌های پرو یافته شده و در مجسمه‌سازی و معماری باقی‌مانده از اقوام مایا و آزتک و همچنین به عنوان تزیین آثار سفالگری در میان سرخ‌پوستان به کاررفته است (تصویر ۷). پس از یونانی‌ها، رومیان که وام‌گیرنده‌ی تزیینات و هنر یونان بودند، ضمن به وجود آوردن تغییراتی بر روی این نقش، از آن برای طراحی موزاییک استفاده می‌کردند (تصویر ۸). در سراسر امپراتوری روم، این نقش جزء نقوش برجسته و مهم تزیینی به شمار می‌رفت. این نقش تا به امروز به صورت مداوم جزء نقوش تزیینی مورد توجه در جهان غرب بوده است (ویلسون، ۱۹۹۴، ۴۶).



تصویر ۵- سکه با نقش زنجیره‌ی خمپا، آناتولی، هزاره اول ق.م. ماخذ: (ویلسون، ۱۹۹۴، ۴۴)



تصویر ۴- سفالینه سیاه رنگ، ویتنام، ۳۵۰۰-۳۰۰۰ ق.م. ماخذ: (سالهیم، ۱۹۸۱، ۷)



تصویر ۷- معماری، قوم آزتک، مکزیکوسیتی. ماخذ: (www.greek-thesaurus.gr)



تصویر ۶- ظرفی با درپوش، یونان، هزاره اول ق.م. ماخذ: (www.metmuseum.org)

نقوش مارپیچ و زنجیره‌های خمپا و شکل‌های شبیه به آن، به عنوان منابع مهم تزیینات در اولین اجتماعات کشاورزی در آناتولی در هزاره‌ی ششم قبل از میلاد به کار می‌رفته‌اند (ویلسون، ۱۹۹۴، ۲۹). مهرهایی پخته‌شده از جنس خاک رس، در این منطقه کشف شده که این آرایه بر روی آنها مشاهده می‌شود (تصویر ۳). پیدایش نقش زنجیره‌ی خمپا به عنوان یکی از ساده‌ترین اشکال تزیینی در هنر پیش تاریخ را می‌توان در یافته‌های باستان‌شناسی قبایل و اقوام آسیایی، اروپایی و حتی بومیان آمریکا دنبال کرد. از نظر گستره‌ی تاریخی و جغرافیایی نقش زنجیره‌ی خمپا براساس کاربرد و رواج آن در مناطق خاص به سه نوع تقسیم‌بندی می‌شود.

زنجیره‌ی خمپای بودایی: این گروه مربوط به نمونه‌های یافته شده در آسیا به خصوص سرزمین‌های خاور دور است. برخی عقیده دارند نقش زنجیره‌ی خمپا اولین بار در عصر میانه ظاهر شده و شبیه چکش زاویه‌داری است که معمولاً به صورت خطی رسم شده و هنوز در میان مردم این مناطق محبوب و رایج است، اما نمونه‌هایی که در چین یافته شده از سایر مناطق بیشتر بوده است (آندرو، ۲۰۰۹، ۱). البته یک نمونه از این نقش بر روی کوزه سفالی سیاه رنگی از منطقه‌ای در ویتنام امروزی کشف شده که تاریخ آن خیلی قبل‌تر از سفالینه‌ها و مفرغ‌های چین را نشان می‌دهد (تصویر ۴). نواری از زنجیره خمپای زاویه‌دار، دور تا دور قسمت گردن کوزه را به صورت پیوسته احاطه کرده و تاریخ آن به ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ قبل از میلاد برمی‌گردد (سالهیم، ۱۹۸۱، ۶).

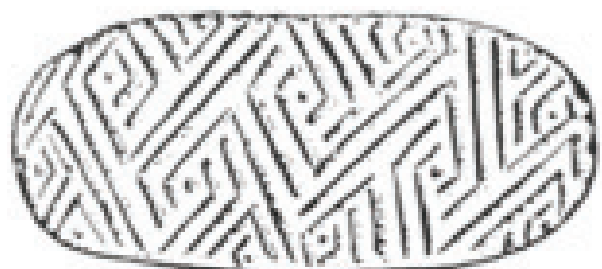
زنجیره‌ی خمپای ترکی: ظاهراً پیدایش و گسترش این نوع



تصویر ۱- بازوبندی از عاج ماموت، منطقه مزین، ۲۲۰۰۰ سال ق.م. ماخذ: (ویلسون، ۱۹۹۴، ۲۸)



تصویر ۲- مجسمه‌های شبیه پرنده، قوم وینکا، هزاره‌ی ۶ تا ۳ ق.م. ماخذ: (جیم بوتاس، ۱۹۷۴، ۱۲۴)



تصویر ۳- مهرهای گلی، آناتولی، هزاره‌ی ۶ ق.م. ماخذ: (ویلسون، ۱۹۹۴، ۲۳)

زنجیره‌ی خمپا جزء تزیینات هندسی این دوره است که هم به صورت ساده و هم از نوارهای در هم تابیده تشکیل شده است، این ساق‌ها به گونه‌ای در هم تابیده شده‌اند که نگاره‌ی سواستیکا را به وجود آورده‌اند. نمونه‌ای از این طرح بر روی دیوار بنایی در بیشاپور فارس مشاهده می‌شود (تصویر ۱۲). علاوه بر تزیینات معماری نقش خمپا بر روی منسوجات این دوره هم به کار می‌رفته است، در سال ۱۳۷۲ در نزدیکی زنجان نیم‌تنه مردی همراه با لباس و یک سری متعلقات کشف شد. بر روی تکه پارچه‌ای که همراه جسد یافت شده نقش خمپا وجود داشت؛ که با توجه به آزمایش‌ها و مشخصات ظاهری، قدمت این مجموعه به ۱۷۰۰ سال قبل، یعنی دوره‌ی ساسانی برمی‌گردد (تصویر ۱۳).

با آغاز عصر اسلامی در تاریخ تزیینات، فصل تازه‌ای ایجاد شد و مایه‌های قدیمی دوباره پدیدار گشت. در این دوره، الگوها و نقوش شطرنجی و زیگزاک و نیز صلیب شکسته و زنجیره خمپا، از نقش مایه‌هایی بودند که به کرات مورد استفاده قرار گرفتند. نقش زنجیره‌ی خمپا، در اکثر هنرها به عنوان یک عنصر ساده و هندسی ظاهر شده است که از جمله این هنرها، می‌توان به معماری، فلزکاری، سفالگری، فرش بافی و نگارگری اشاره کرد.

مفاهیم نمادین

«در سال ۱۹۶۵، تحقیقاتی در زمینه آثار به جای مانده از منطقه‌ی مزین انجام گرفت که "وی. بی بی کووا" احتمال می‌دهد، زنجیره‌ی خمپایی که به عنوان تزیین بر روی آثار کشف شده از این منطقه به دست آمده، از طراحی طبیعی عاج ماموت سرچشمه گرفته است و حدس می‌زند که برای انسان عصر پارینه‌سنگی این نقش سمبلی از ماموت بوده و به عنوان هدف اساسی شکار و به مفهوم فراوانی و قدرت به کار می‌رفته است» (زرنیکووا، ۲۰۰۸، ۱). در چین باستان، «نقش مذکور ابر و آذرخش خروشان را نشان می‌داد و از این رو، آن را "طرح ابری و تندری" می‌نامیدند. این طرح باران حیات بخش و وفوری را که برای کشاورزان می‌آورد به طور نمادین نشان می‌داد. علاوه بر آن به عنوان، حاشیه‌ی تکرارشونده، نمادهای چینی طول عمر را در بر می‌گیرد» (هال، ۱۳۸۷، ۱۰). «در یونان باستان نقش زنجیره‌ی خمپا کاربرد بسیار داشته و استفاده از آن در اطراف و

اما سابقه این نقش در ایران به دوره‌ی پیش از تاریخ بر می‌گردد. نقش زنجیره‌ی خمپا برای اولین بار بر روی سفالینه‌های "تل باکون" کشف شد. نشان‌های بسیار رایج در نقاشی سفال‌های تل باکون وجود دارد که همین نشان‌ها و علائم در چین یافت می‌شود و استنباط می‌شود که این دو فرهنگ با یکدیگر ارتباط داشته‌اند. هر چند با مقایسه نمونه‌های مختلف نقش خمپا که از فارس، سامرا و چین به دست آمده، منشأ این نقش را شهرکان سو در چین دانسته‌اند (هرتسفلد، ۱۳۸۴، ۳۲). از بین نمونه‌های یافته شده در تل باکون، می‌توان به ظرف سفالی اشاره کرد که هر تسفلد از نقش تزیینی آن به عنوان "طرح زنجیره‌ی خمپای چینی" نام می‌برد (تصویر ۹). نقش عبارت است از زیگزاکی افقی که به نقاط بالا و پایین آن گاهی خط‌های فاصله‌دار و یا پله دار، افزوده‌اند. علاوه بر این نمونه، الگوهای دیگری از نقش خمپا در حکاکی ظروف صابونی جیرفت، در هنر سفالگری این منطقه و همچنین در تزیینات معماری نیز استفاده شده است (تصویر ۱۰).

در دوره تاریخی ایران، اولین نمونه‌ای که از این آرایه مشاهده شده، مربوط به دوره اشکانی است. الگوهای متنوعی از آن به صورت تکی یا تلفیقی با نقش سواستیکا بر روی دیوارها و مجسمه‌ها نقش بسته است. همچنین بر روی قطعات منسوجات پشمی که از گورهای دشت مغان یافت شده، حضور این نقش در کنار سایر نقوش مشهود است (تصویر ۱۱). در دوره‌ی ساسانی،



تصویر ۹- گلدان با نگاره‌ی زنجیره‌ی خمپا، تل باکون هزاره چهارم ق.م. ماخذ: (هرتسفلد، ۱۳۸۱، لوحه ۹)



تصویر ۸- موزاییک با نقش زنجیره‌ی خمپا، روم. ماخذ: (www.bbc.co.uk)



تصویر ۱۰- نقش خمپا در تزیینات معماری، جیرفت، هزاره چهارم ق.م. ماخذ: (آقا عباسی، ۱۳۸۹، ۳۸)



تصویر ۱۳- بقایای جسد مرد نمکی، ساسانی. ماخذ: (www.pbase.com)



تصویر ۱۲- بنایی در بیشاپور فارس، ساسانی. ماخذ: (www.yanic.ir)



تصویر ۱۱- پارچه اشکانی، نقش مربع، سواستیکا و زنجیره‌ی خمپا. ماخذ: (پرهام، ۱۳۷۰، ۹۸)

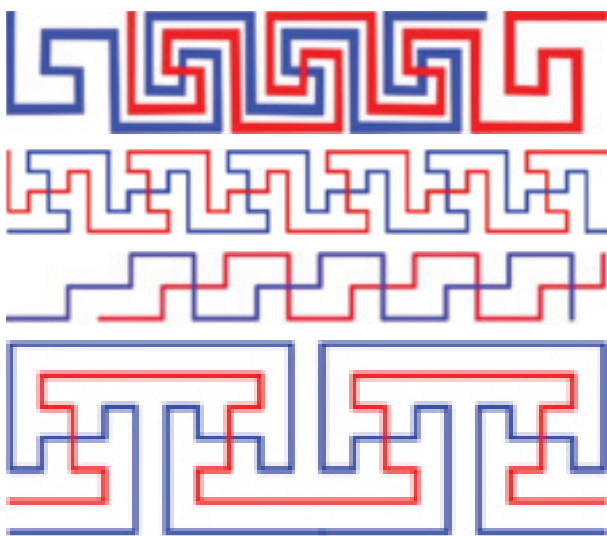
مربع با اضلاع صاف و مستقیم و زوایای قائمه‌اش ترسیم شود حس کشش و امتداد و تجربه‌ی حرکت را القا می‌کند (ایتن، ۱۳۷۸، ۶۹).

نقش در زنجیره‌ی خمپا

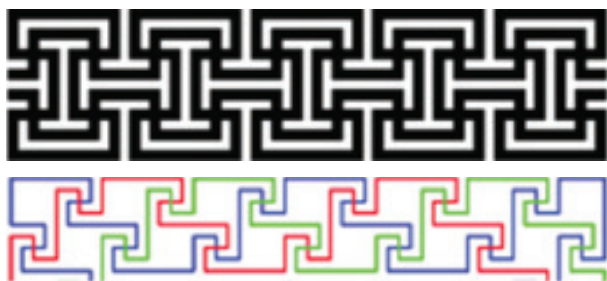
نقش زنجیره‌ی خمپا معمولاً بین دو خط موازی طراحی می‌شود که حدود نقش را معین می‌کنند. این آرایه اغلب به عنوان یک حاشیه‌ی تزئینی استفاده شده و به گونه‌های مختلفی چون، تک خطی، دو خطی و چند خطی وجود دارد.

نقش زنجیره‌ی خمپا در هنر چین

هنر دوره‌ی شانگ^۳ و دوره‌ی چو^۴ در چین، نتیجه‌ی به جا ماندن ظروف سفالین و اشیای تراشیده شامل شاخ گوزن و عاج و مجسمه‌های سنگی و همچنین اشیایی از مفرغ و سنگ یشم شناخته شده است. زیباترین ظروف تزئینی مفرغی بیشتر مربوط به دوره شانگ است تا چو. این تزئینات عبارت است از ترکیبی از نمونه‌های هندسی، حلزونی، مربع و مثلث با اشکال جانوران که کم و بیش به صورت سبکی درآمده و غالباً با طرح هندسی در هم آمیخته است. یکی از ساده‌ترین و پر تکرارترین تزئینات آنها که نه تنها در روزگار باستان، بلکه در هنر مدرن هم وجه اشتراک دارد و به طور عمومی در هنر باستانی اکثر



تصویر ۱۵- زنجیره‌ی خمپای دو خطی.
ماخذ: (لیو و توساینت، ۲۰۰۹، ۴۶)



تصویر ۱۶- نقش زنجیره‌ی خمپای سه خطی.
ماخذ: (لیو و توساینت، ۲۰۰۹، ۴۹)

کناره‌ی ظروف، سمبلی از طلب آرزوی سال‌های طولانی و خوش برای دیگران بوده است» (ساوارد، ۱۹۸۷، ۵). علاوه بر آن، این نقش تکرار شونده با اساطیر یونانی پیوند دیرینه‌ای داشته و در بسیاری مواقع این نقش را با نقوش دیگر ترکیب می‌ساختند. در سرزمین آناتولی، ترکیه امروزی، این نقش را نمادی از آب می‌دانستند و به عنوان یک حاشیه‌ی تزئینی بر روی اکثر بافته‌های زنان این منطقه به کار می‌رفته است. نه تنها در آناتولی بلکه «در اکثر فرهنگ‌ها این نقش تکرار شونده را برگرفته از آب دانسته و از آن جایی که آب سمبلی از جاودانگی، احیا شدن و تولد دوباره است، نقش زنجیره‌ی خمپا را می‌توان نمادی از باروری و حاصلخیزی دانست» (هارمان، ۱۹۹۶، ۱۹). در بسیاری از تصاویر به دست آمده از اقوام ترک، حضور این آرایه را بر روی مجسمه‌هایی به شکل پرنده می‌توان دید. «تصویر یک پرنده جایگاه مهمی در اساطیر ترکی دارد. بر طبق اساطیر ترکی به محض مرگ، روح شخص مرده به شکل پرنده به مبدأ بر می‌گردد» (آندرو، ۲۰۰۹، ۲). علاوه بر آن «زنجیره‌ی خمپا بر روی پیکره‌های کوچک سفالی با شکل نقاب‌های پرنده یا سرهای پرنده، دست‌ها یا پا‌های مارگونه، ظروف و مجسمه‌ها در تمام گروه‌های فرهنگی اروپایی کهن کنده کاری شده است. مادامی که چنین نقشی بر روی مجسمه‌ی پرنده‌ای از قوم وینکا حک شده باشد، اتحاد و پیوندش را با یک پرنده الهی و آب منعکس می‌کند» (جیم بوتاس، ۱۹۷۴، ۱۲۴). «این نقش و سایر سمبل‌های انتزاعی با مفهوم مذهبی در طراحی تزئینی ظاهر می‌شوند و با عقاید و باورهایی از جاودانگی کیهانی پیوند داده شده‌اند» (هارمان، ۱۹۹۶، ۲۰). علاوه بر موارد یادشده، فرضیه‌ی دیگری وجود دارد که با توجه به شکل ظاهری زنجیره‌ی خمپا بیان شده است. «ز آن جایی که این آرایه دارای خط‌های مستقیم و زاویه‌های قائمه است و شکلی شبیه مربع دارد، سمبلی از زمین است» (سایرلوت، ۲۰۰۲، ۳۰۶). همچنین وقتی یک مربع یا شبیه



تصویر ۱۴- زنجیره‌ی خمپای تک خطی.
ماخذ: (بیر، ۲۰۰۴، ۳۴۴)

می‌شود. از این نمونه می‌توان به درای مفرغی اشاره کرد که مربوط به سلسله‌ی چو است (تصویر ۱۹). مورد کاربرد آن در موسیقی و انجام مراسم آیینی و جادویی شمن‌ها بوده است. به اعتقاد کنفوسیوس، شنیدن نوای این درای موجب طول عمر بوده است (کریستی، ۱۳۷۳، ۲۱۵) و طنین چنین زنگی را وسیله‌ای فوق طبیعی برای ارتباط آسمان با خاقان و ملکه می‌دانستند. از آن جایی که این نقش سمبلی از طول عمر بوده، حضورش بر روی این اثر آگاهانه صورت گرفته است. علاوه بر مفرغ‌ها، نمونه‌های متعددی از این نقش بر روی سفالینه‌هایی که از سلسله‌های شانگ و چو به جای مانده، مشاهده می‌شود. از آن جایی که فرهنگ و هنر چین مانند حلقه‌های زنجیر به هم متصل هستند. پس از سلسله‌ی چو، در دوره‌های بعدی مانند هان، تانگ و سونگ نیز از این نقش و سایر نقوش سمبولیک برای تزیین آثار هنری مختلف استفاده شده است، اما اوج به کارگیری نقش خمپا را می‌توان از سده‌ی ۱۳ میلادی به بعد مشاهده کرد (ویلیامز، ۱۹۸۸، ۱۳۵). نمونه‌های فراوانی از این نقش بر روی سفال‌ها و چینی‌های سلسله‌های یوان^{۱۶} و مینگ^{۱۷} استفاده شده است (تصویر ۲۰). نقش زنجیره‌ی خمپا علاوه بر ظروف چینی و سفالی، در نقاشی‌ها و بافته‌های این دوران نیز به کار می‌رفته است.

پس از دوره‌ی مینگ، با روی کار آمدن سلسله‌ی چینگ، نقش

سرزمین‌ها، به عنوان نقش مئاندر (زنجیره‌ی خمپا) یا نقش کلیدی شناخته شده است. چینی‌ها آن را "نقش تندر" یا "صاعقه" می‌نامند. «چنان چه "بوگوتو"^{۱۵} اشاره می‌کند که این طرح از خطوط تصویری قدیمی استخراج شده که برای نمایش ابر و تندر به کار می‌رفته است» (ویلیامز، ۱۹۸۸، ۱۳۴). این نقش در فرم ابتدایی‌اش، به صورت منفصل در برنزه‌های منسوب به سلسله‌ی شانگ، یافت شده است (تصویر ۱۷). برای مردم کشاورز چین، نقش تندر، مفهوم افضل و بااهمیتی را دارا بود، چون باران برای زندگی‌شان لازم بود و سمبل مربوط به تندر، نمونه‌ی بارش متوالی بود که فرستاده شده‌ی آسمان، هدیه فراوانی را می‌آورد. نقش تندر مانند طرح ابر، که غالباً با آن همراه است، زمینه طرحی را برای اژدها فراهم می‌سازد (تصویر ۱۸). «اژدها مظهر باران و نماد خاقانی است و در مکتب دائوئسیم نیز نماد دائو یا راه است که خود را می‌نماید و پنهان می‌شود» (کریستی، ۱۳۷۳، ۱۱۷).

مضمون محوری اسطوره‌های عمده‌ی چینی درباره طوفان، متکی بر مفهوم کنترل انسانی فاجعه، از طریق خصوصیات اخلاقی قهرمان جنگجو است (بیرل، ۱۳۸۴، ۱۳) و نقش زنجیره‌ی خمپا با اساطیر چینی پیوند دیرینه‌ای دارد. اما این نقش علاوه بر مفاهیم ذکر شده، نمادی از طول عمر و جاودانگی و حیات ابدی است، از این رو بر روی وسایل و ابزارهای که برای مراسم آیینی کاربرد داشته‌اند هم دیده



تصویر ۱۸- ظرف مفرغی، سلسله‌ی شانگ، با نقش تندر واژدها. ماخذ: (www.arts.cultural-china.com)



تصویر ۱۷- مفرغ سلسله‌ی شانگ، نقش تندر منفصل. ماخذ: (www.artsconnected.com)



تصویر ۲۱- کاسه‌ی چینی، سلسله‌ی چینگ. ماخذ: (www.artibet.net)



تصویر ۲۰- کوزه‌ی سفالی، سلسله‌ی مینگ. ماخذ: (www.Artibet.net)










تصویر ۱۹- درای مفرغی، سلسله‌ی چو، انستیتو هنرهای مینا پولیس. ماخذ: (www.artsconnected.org)

آثار هنری بسیار زیادی هستند که نمایشگر این نقش تزئینی هستند، اما ذکر همه‌ی آنها در این مقاله جایز نیست. تنوع و تعدد نقش زنجیره‌ی خمپا در جدول ۱ نشان داده شده است که با بهره‌گیری از نقوش روی سفال‌ها، بافته‌ها و نقاشی‌های روی چوب در هنر چین شکل گرفته است. حضور زنجیره‌ی خمپا بر روی آثار مختلف در دوره‌های متوالی نشان می‌دهد که این آرایه در هنر چین از روزگار کهن تا کنون با حفظ اصالت‌ها ادامه یافته است و با هنر این کشور عجین گشته است. شناخت نقوش باستانی کمک می‌کند تا ضمن آشنایی با افکار و ایده‌های گذشتگان، بتوان ردپای آن را در هنر معاصر دنبال کرد.

زنجیره‌ی خمپا به گونه‌های متنوع‌تری نسبت به دوره‌های قبلی بر روی آثار مشاهده می‌شود و بسیاری از نقوش سمبلیک مانند اژدها که در سلسله‌های باستانی به کار می‌رفته است، دوباره احیا می‌شود. یک نمونه کاسه‌ی چینی از این دوره وجود دارد که در آن نقش زنجیره‌ی خمپا در اطراف کاسه به صورت جدا از هم، و نقوش اژدها و سیمرغ در وسط کاسه قرار گرفته‌اند. کنار هم قرار گرفتن چنین نقش مایه‌هایی در مفرغ‌های سلسله شانگ نیز مشاهده می‌شود و نماد باروری و حاصلخیزی بود (تصویر ۲۱). نمونه‌های دیگری از نقش خمپای منفصل، بر روی برنزه‌ها و فرش‌های این دوره نیز به کار رفته است و شباهت بسیار زیادی به تزئینات سفال‌ها و مفرغ‌های دوره‌های باستانی دارند.

جدول ۱- نقش زنجیره‌ی خمپا در هنر چین.

دوره‌ی تاریخی	جنس	اثر	نقش زنجیره‌ی خمپا
دوره‌ی شانگ	مفرغ		
	سفال		
دوره‌ی چو	مفرغ		
	سفال		
دوره‌ی هان	پارچه		

نقش زنجیره‌ی خمپا	اثر	جنس	دوره‌ی تاریخی
		چینی	دوره‌ی یوان
		سفال	دوره‌ی مینگ
		نقاشی	دوره‌ی مینگ
		چینی	دوره‌ی چینگ
		برنز	دوره‌ی مینگ
		فرش	دوره‌ی معاصر

نقش زنجیره‌ی خمپا در هنر یونان

در سده‌های دوم و اول قبل از میلاد از حضور نقش زنجیره‌ی خمپا کاسته شد، اما با ظهور مسیحیت، این نقش توانست به کمک رومی‌ها به عنوان یک عنصر تزئینی ساده برای تزیین کلیساها استفاده شود. زیرا روم آن چه را که از یونان گرفته بود به شکلی بس تغییر یافته‌تر به دنیای سده‌های میانه و عصر جدید انتقال داد (فرهنگ هنر، ۱۹۹۶، ۹۱۲). پیشرفت این نقش در هنر یونان و انتقال آن به فرهنگ‌های دیگر، یک نمونه‌ی جالبی است از این که چگونه یک آرایه‌ی تزئینی، نقش برجسته‌ای در آثار هنری ایفا می‌کند. این نقش به اشکال گوناگونی در هنر یونان به کار رفته است، از این رو نمونه‌های متعدد و متنوعی از آن در جدول ۲ نشان داده شده است.



تصویر ۲۳- ظرف سفالی، دوره‌ی کهن، ۴۸۰ ق.م. ماخذ: (www.theoi.com)



تصویر ۲۲- سفال دیپیلون، دوره‌ی هندسی، سده‌ی ۸ ق.م. ماخذ: (www.metmuseum.org)



تصویر ۲۴- مجسمه مرد اراپهران، دوره‌ی کلاسیک، ۴۷۰ ق.م. موزه دلفی. ماخذ: (www.ancient-greek.org)



تصویر ۲۶- موزاییک قلوه‌سنگی، دوره‌ی هلنی، سده‌ی ۴ ق.م. ماخذ: (www.commonswikimedia.org)




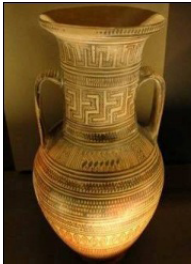










تصویر ۲۵- زئوس با آذر خشی در دست، دوره‌ی کلاسیک، ۴۵۰ ق.م. ماخذ: (www.theoi.com)


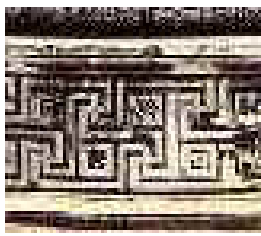




شروع تمدن غرب با تمدن اژه، در حدود ۳۰۰۰ تا ۱۱۰۰ قبل از میلاد آغاز شد و حدود ۲۰۰ سال بعد تمدن یونان به وجود آمد. سفالینه‌های مربوط به ۱۱۰۰ تا ۹۰۰ قبل از میلاد، نخستین مراحل شکل‌گیری سبک هندسی را به ما نشان می‌دهد. هم زمان با تکامل این سبک، شکل‌های خمیده، تدریجاً جای خود را به شکل‌های راست خطی با نوارها یا ردیف‌های فشرده به هم می‌دهد. «در دوره‌ی هندسی یونان، زنجیره‌ی خمپا یکی از نقوش تزئینی بود که بر روی اکثر ظروف سفالی اجرا می‌شد. در طی این دوره، نقش زنجیره‌ی خمپا از نظر تاریخی (ابتدا، میانه و هندسی متأخر) و جغرافیایی (شهر باستانی آتن و دیگر سرزمین‌ها) تغییر کرده است» (جره، ۱۹۹۵، ۱۵۹). سفالینه‌های دوره‌ی هندسی کاربرد آیینی داشتند و نقوشی که بر روی آنها رسم می‌شد با کاربردشان مرتبط بوده است. برای مثال سفال "دیپیلون"^{۱۸} دارای پیکره‌ای هندسی و منظم است و حکایت از یک مراسم تشییع جنازه دارد، نقش زنجیره‌ی خمپا در دهانه ظرف جلوه گر است (تصویر ۲۲). این سفال برای مراسم آیینی و مذهبی به کار می‌رفته است. پس از دوره‌ی هندسی، در گلدان‌ها و ظروف سفالی دوره‌ی کهن، انسان موضوع اصلی تزیینات قرار گرفت که این حکایت از گسستگی کامل با شیوه‌ی منظم هندسی دارد. بنابراین نقوش هندسی به عنوان حاشیه در اطراف ظرف به کار می‌رفتند. از این نمونه، می‌توان به ظرف سفالی مربوط به سده‌ی ۶ قبل از میلاد اشاره کرد که داستان کشته شدن "ممنون"^{۱۹} که از فنانا پذیران بود را به دست آشیل نشان می‌دهد. از آن جایی که نقش خمپا در یونان باستان نمادی از جاودانگی هم به شمار می‌آید، به کار بردن آن در اطراف ظرف با مفهوم نمادین نقش همخوانی دارد (تصویر ۲۳).

با ورود به دوره‌ی کلاسیک، این نقش تزئینی به گونه‌های متنوع و پیچیده‌تری تکرار شده است، گرچه نمونه‌های ساده نیز بر روی برخی از آنها مشاهده می‌شود. برای نمونه در مجسمه‌ی مرد اراپهران از معبد آپولون در دلفی، جوانی اشراف منش را نشان می‌دهد که محکم بر روی دو پا ایستاده و دهانه‌ی اسب را در دست راستش گرفته است (گاردنر، ۱۳۸۴، ۱۲۶). موی سر این مجسمه با نواری که با نقش زنجیره‌ی خمپای ساده تزیین شده، جمع و جور و محکم نگاه داشته شده است (تصویر ۲۴) علاوه بر مجسمه‌ها از نقش خمپا برای تزیین ظروفی که در مراسم عبادی و برای نگهداری روغن مقدس کاربرد داشتند، استفاده شده است (تصویر ۲۵).

در سده‌ی چهارم قبل از میلاد، پیشرفت فرهنگ هلنی باعث شد فعالیت‌های ساختمانی به شهرهای پر رونق پادشاهان هلنی در آناتولی انتقال یابد. موزاییک نیز، به عنوان شکلی از هنر، به گونه‌ای نسبتاً عادی و در جریان کاربردهای روزانه پدید آمد. مشهورترین موزاییک‌های قلوه‌سنگی در شهر اولینتوس یونان قرار داشت، که در سال ۳۴۸ پیش از میلاد به دست اسکندر مقدونی ویران شد (گاردنر، ۱۳۸۰، ۱۶۵). امروزه، بقایایی از آن موزاییک‌ها برجای مانده، که بر روی اکثر آنها نقوش اسطوره‌ای، مارپیچی و زنجیره‌ی خمپا مشاهده می‌شود (تصویر ۲۶).

جدول ۲- نقش زنجیره‌ی خمپا در هنر یونان.

نقش زنجیره‌ی خمپا	اثر	جنس	دوره‌ی تاریخی
		سفال	دوره‌ی هندسی
		عاج	
		سفال	دوره کهن
		سنگ	
		سفال	دوره‌ی کلاسیک
		سنگ	

دوره‌ی تاریخی	جنس	اثر	نقش زنجیره‌ی خمپا
دوره‌ی هلنی	سنگ		
	موزاییک		
دوره‌ی معاصر	فلز و سنگ قیمتی		

نتیجه

از سفالینه‌های یونان کاربرد داشته است. اولین نمونه‌ی نقش زنجیره‌ی خمپا در هنر چین، شبیه مارپیچ‌های مربعی شکلی بوده که بر روی مفرغ‌های سلسله‌ی شانگ مشاهده شده است و نسبت به الگوهای یونانی ظاهر پیچیده‌تری داشته‌اند. در یونان، اولین بار این نقش بر روی سفالینه‌های دوره‌ی هندسی و به شکلی بسیار ساده به کار رفته است. در هر دو تمدن مذکور این نقش جنبه‌ی نمادین داشته و معمولاً به منظور جداسازی زمینه و بستر کار از حاشیه‌ها و یا در تزیینات نواری و خطی آثار مختلف و همچنین در بخش‌هایی از بناها به کار رفته است. ارتباط بین اقوام مختلف باعث شد تا این تمدن‌های باستانی نقش خمپا را به فرهنگ‌های دیگر هم منتقل کنند، اگرچه به نظر می‌رسد نقش زنجیره‌ی خمپا از این فرهنگ‌ها وارد عرصه هنر ایران شده است، اما شباهت‌های موجود میان نمونه‌های یافته شده در جیرفت و تل باکون با نمونه‌هایی که از چین و یونان به دست آمده چنان فراوان است که نمی‌توان آنها را اتفاقی دانست و نظریه‌ی قطعی بیان کرد. در هر حال نقش زنجیره خمپا توانست در گنجینه‌ی نقوش آثار ایران در دوره‌ی پیش تاریخی و سپس اسلامی، نه چندان فراگیر، جذب شود و در هنرهای مختلف به کار رود.

این آرایه‌ی نمادین با تکیه بر باور و اندیشه‌ی انسان‌ها، گاهی در نقاط مختلف جهان به طور هم زمان پیشرفت کرده است، که شاید بتوان آن را به عنوان یک اتحاد سمبولیک قلمداد کرد، گرچه بعضی مواقع ارتباط اقوام با یکدیگر هم بی‌تأثیر نبوده است.

نقش زنجیره‌ی خمپا، یک الگوی تکرار شونده متشکل از خطوط زاویه‌دار است. قدیمی‌ترین نمونه‌ی یافته شده از این نقش مربوط به منطقه‌ای در اوکراین است که قدمت آن به دوره پارینه‌سنگی بر می‌گردد. با توجه به گستردگی این نقش در سراسر جهان و علیرغم نمونه‌های کشف‌شده، به علت کاربرد فراوان آن در هنر یونان این شبیه به وجود آمده که این نقش اصالتاً یونانی است، آن چه مشهود است، یونانی‌ها به هر حال بیش‌ترین آفریننده‌ها و سازنده‌های این نقش در معماری، سفال و سنگ بوده‌اند و با وجودی که به عنوان "کلید یونانی" هم شناخته شده، اما در حقیقت یونان، مبدأ و سرچشمه‌ی این نقش نیست. مادامی که یک فرهنگ یا یک اثر هنری را به اسم یک محل می‌خوانند، این بدان معنا نیست که بنیان اثر از آن مکان نشأت گرفته است. هر چند برخی از نظریه‌پردازان عقیده دارند، از آن جایی که هنر یونانی به سمت شرق حرکت کرده تا توسعه یافته و همچنین دادوستد آنها نیز دچار پیشرفت و ترقی شود؛ نقوش تزیینی چین شبیه رومیان مسیحی، باید از مدل‌های یونانی اقتباس شده باشد، و زنجیره‌ی خمپا را به عنوان یک نقش یونانی می‌شناسند که طی این دادوستدها وارد چین شده است. در مقابل این نظریه ادعای دیگری وجود دارد که چینیان قدیم پیش از یونانی‌ها نظیر چین نقش هندسی را به عنوان نماد رعد و برق برای آرایش ظروف مفرغی به کار می‌بردند. با توجه به نظرات متعدد، از روی قدمت آثار و اشیای به‌جامانده می‌توان استنباط نمود که زنجیره‌ی خمپا به عنوان تزیین بر روی مفرغ‌های سلسله‌ی شانگ در چین خیلی پیش‌تر

پی‌نوشت‌ها

مهاجری، عباسعلی (۱۳۸۴)، *فرهنگ هنر (انگلیسی-فارسی)*، دانشگاه تهران.

هال، جیمز (۱۳۸۷)، *فرهنگ نگاره/ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، فرهنگ معاصر، تهران.

هرتسفلد، ارنست (۱۳۸۱)، *ایران در شرق باستان*، ترجمه‌ی همایون صنعتی زاده، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

Andrieu, Sara Anais (2009), *Spread of Cultures*, (www.lcas6.org).

Beer, Robert (2004), *The Encyclopedia of Tibetan Symbols and Motifs*, Serindia Publications, Chicago & London.

Britannica book of the year(1995), Encyclopedia Britannica Publications, London.

Cirlot, Juan Eduardo (2002), *A Dictionary of Symbols*, Curier Dover Publication, New York .

Gero, John Steven (1995), *Computational and Cognitive Models of Creative design*, Key Centre of Design Comp & Cognntn, Australia.

Gimbutas, Marija Alseikaite (1974), *The Gods and Goddesses of Old Europe*, University of California Press, California.

Gubser, Mike (2009), *Time is visible surface*, Wayne State University Press, Michigan.

Haarmann, Harald (1996), *Early Civilization and Literacy in Europe*, Walter Gruyter Publications, Berlin.

Jones, Owen (1895), *The Grammar of Ornament*, Day and Son Publications, London.

Lio, Yang; Toussaint, Godfried (2009), *A New Method for Classifying Fret and Meander Pattern*, Publication of Isama, (www.isama.org).

Saward, Jeff (1987), *Unlocking the Labyrinth*, NEARA *Jornal*, spring, vol.21, No.4, Issue No.79.

Solheim, Wilhelm. G (1987), *Chinese and Southeast Asian Art Styles and their Relationship*.

William, C.A.S (1988), *Chinese Symbolism and Art Motifs*, Tuttle Publishing, Boston.

Wilson, Eva (1994), *8000 Years of Ornament*, British Museum Press, London.

Zharnikova, S (2008), *Archaic Motifs in North Russian Folk Embroidery and Parallels in Ancient Ornamental Designs of the Eurasian Steppe People*, (www.Cultinfo.Ru).

The dictionary of art (1996), volume:20, mac millan.

1 Meander (me.an.der).

2 Maiandros.

۳ Buyuk Meander River. این رودخانه از نظر تاریخی و جغرافیایی اهمیت بسیار زیادی داشته، چرا که نام آن در ایلپاد هومر نیز ذکر شده است.

4 Yunwen & Leiwen.

5 Matu.

6 Fret, Key pattern.

7 Greek key.

۸ Mezin. محلی در اوکراین فعلی.

۹ Vinca. فرهنگ وینکا: دوران شکوفایی این تمدن در منطقه ای بود که بعدها بوسنی، صربستان، رومانی و یوگسلاوی در آن به وجود آمدند.

10 Poloponese.

۱۱ تل باکون منطقه ای در مرودشت است که در نزدیکی تخت جمشید قرار دارد و تاریخ آن به ۳۶۰۰ ق.م (هزاره‌ی چهارم ق.م) برمی گردد.

۱۲ V.Bibikova. زیست شناس و دیرینه شناس روسی.

۱۳ سلسله شانگ (۱۵۰۰-۱۰۵۰ ق.م).

۱۴ سلسله چو (۱۰۵۰-۲۲۱ ق.م).

۱۵ BO GO TU، نویسنده و محقق در زمینه هنر چین.

۱۶ سلسله یوان (۱۲۷۱-۱۳۶۸ میلادی).

۱۷ سلسله مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴ میلادی).

۱۸ دیپیلون: یکی از قدیمی‌ترین گلدان‌های عصر هندسی است و تاریخ آن به سده ۸ قبل از میلاد بر می‌گردد. و نامش را از محل کشف خود یعنی گورستان دیپیلون در آتن گرفته است.

۱۹ Memnon، ممنون پسر ائوس بود که به دست آشیل کشته شد و زئوس برای تسکین آلام ائوس، ممنون را به جمع فناپذیران پذیرفت.

فهرست منابع

آقا عباسی، زهرا (۱۳۸۹)، *تقشماهای نویافته‌ی حوزه‌ی هلیل رود*، دانشگاه باهنر کرمان، کرمان.

ایتن، یوهانس (۱۳۷۸)، *ایتن عناصر رنگ*، ترجمه‌ی بهروز زاله دوست، عفاف، تهران.

بیرل، آن (۱۳۸۴)، *اسطوره‌های چینی*، ترجمه‌ی عباس مخبر، مرکز، تهران.

پاکباز، روئین (۱۳۸۲)، *دایره‌المعارف هنر*، فرهنگ معاصر، تهران.

پرهام، سیروس (۱۳۷۰)، *دستیافت‌های عشایری و روستایی فارس*، جلد ۱ و ۲، امیرکبیر، تهران.

کریستی، آنتونی (۱۳۷۳)، *شناخت اساطیر چین*، ترجمه‌ی باجلان فرخی، اساطیر، تهران.

گاردنر، هلن (۱۳۸۰)، *هنر در گذر زمان*، ترجمه‌ی محمد تقی فرامرزی، آگاه، چاپ ششم، تهران.

مرزبان، پرویز. معروف، حبیب (۱۳۸۰)، *فرهنگ مصور هنرهای تجسمی*، ویرایش چهارم، سروش، تهران.